

سال تحصیلی جدید

علیه فقر و حجاب اسلامی، علیه جمهوری اسلامی در تداوم
خیزش انقلابی

رحمان حسین زاده

صفحه ۳

حکومت نظامی هم اثر ندارد!
نگاهی به سالروز ۲۵ شهریور

سیاوش دانشور

صفحه ۴

سبک کار ما و سبک کار آنها!
چگونه مبارزه به شیوه راست تسلیم حکومت نظامی شد؟

سمیرا دولت شاهی

صفحه ۵

سال تحصیلی جدید و لزوم دوام مبارزات!

فاطمه عسگری

صفحه ۶

**گزارشی از فعالین حزب حکمتیست در سالگرد خیزش انقلابی
شهریور!**

امیر عسگری

صفحه ۷

”رونالدو“های غیر قانونی ما

سیاوش دانشور

صفحه ۸

سال تحصیلی جدید و بازگشایی دانشگاه، سنگر آزادی!

امیر عسگری

صفحه ۹

**ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی
تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسگری و آرش کلهر**

۷۱۷
مستقلی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran
Hekmatist

۳۱ شهریور ۱۴۰۲ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۳

این روزها سپری می شوند

**مصافهای جدی تری در راه
است!**

۲۵ شهریور سالروز خیزش انقلابی ۱۴۰۱ به صحنه کشمکش جمهوری اسلامی با جامعه خواهان رهایی از ستم و استثمار و تبعیض تبدیل شد. جمهوری اسلامی هرآنچه که در توش و توان داشت به خدمت گرفت که در این روزها ملتاریزه کردن شهرها مانع اعتراضات وسیع توده ای و اجتماعات یادبود صدها جانباخته خیزش انقلابی شوند. سالروز خیزش انقلابی مصادف شد با برگزاری سالانه مجمع سازمان ملل که رئیس قاتل در آن شرکت دارد. زندانیان را همان روز سفر رئیس به امریکا مبادله کردند و بازی با تیم فوتبال النصر عربستان را اعلامدانه در این روزها برنامه ریزی و برگزار کردند تا اوضاع را عادی جلوه دهند.

برای جمهوری اسلامی و همه سران ریزو درشت آن، این روز کابوس بود. وحشت از اعتراضات و اجتماعات بزرگ توده ای، همچون ماههای خروش انقلابی، همه سران و فرماندهان و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی را خارج از نرم به اقدامات سرکوبگرانه و ملتاریزه کردن شهرها واداشت.

به این دلیل از ماهها قبل رژیم اسلامی با تمام توان برای سد کردن اعتراض مردم در این روز دست به کار شد. دستگیری های وسیع صورت گرفت، دانشجویها را اخراج و به عناوین مختلف تحت فشار قرار دادند و دانشگاهها را به پادگان تبدیل کردند، اساتید مخالف و مردم دوست و به دلیل حمایت از دانشجویان معترض را یکی بعد از دیگری اخراج و بیکار کردند. زندانیان سیاسی را دوباره احضار و روانه زندان کردند. هرکسی که از نظر اداره مخوف اطلاعات و دستگاههای امنیتی مشکوک

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

این روزها سپری می شوند

مصافهای جدی تری در راه است!

به نظر رسید دستگیر و پرونده های جدید زندانی کردند. روزهای منتهی به ۲۵ شهریور خیابانها را قرق کردند به شهر سقز لشکر کشی کردند، خانه پدری مهسا را محاصره و خانواده او را زندانی کردند. قبرستان آچی محل دفن ژینا را با تانک و نیروهای سرکوب اشغال کردند و بر بلندیها تک تیرانداز مستقر کردند تا هر جنبیده ای را هدف قرار دهند. جمهوری اسلامی با این درجه وحشیگری و اشغال نظامی و سنگر بندی در مقابل مردم معترض و خون به دل، توانست در این روز به سلامت عبور کند و به جهانبان نشان دهد که جمهوری اسلامی هنوز قدرت سرکوب دارد و می تواند سر پا بماند.

این روزها سپری خواهند شد، اما کشمکش و جنگ میان مردم خشمگین و منزجر، با حکومت اسلامی بر سر ماندن و نماندن آن صورت مسئله اصلی جامعه است. رژیم به ظاهر خشن و مقتدر، اما مغلس و درمانده که بحران های متعددی آن را محاصره کرده است، رژیمی که اقتصادش به گل نشسته و با سیلی صورتش را قرمز نگه می دارد. رژیمی که برای مقابله با مردم به سازش و کردنش با دول خارجی روی آورده است و در مقابل اعتراض و نارضایتی مردم اوج خشونت و سرکوبگری را به سیاست اصلی خود تبدیل کرده است. رژیمی که بخصوص با آغاز خیزش انقلابی و کشتار جوانان و زنان و کارگران و دستگیری هزاران معترض، نفرت و بیزاری را از خود دامن زده است و راه هر نقطه سازش و کوتاه آمدنی را کور کرده است. مردم خون به دل دنبال فرصتهایی هستند تا دست قاتلان و سرکوبگران را برای همیشه از زندگی خود کوتاه کنند.

واقعیت این است که مانورهای نظامی و تهدید و ارعاب در مناسبات بین مردم و رژیم اسلامی خللی ایجاد نمی کند و این روزهایی در مسیر تحولی انقلابی است. مقطعی از یک تقابل جدی و کشمکشی دامنه دار در مسیر تحول سیاسی در ایران است. شاخصی است از رویارویی حاد جامعه با رژیمی که مورد قبول نیست و می خواهند از سر راه بردارند. این روزها می گذرند، اما تناقضات و همه آن فاکتورهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اخلاقی که کارگران و زنان و جوانان را به مصاف نهایی با جمهوری اسلامی سوق داده و خیزشهای دی ماه و آبانماه و

شهریور را خلفاندند تشدید شده اند و نبردهای آتی را نوید می دهند.



مردم در این نبرد ضعف و زبونی و درماندگی رژیم اسلامی را به خوبی مشاهده کرده اند. همه شاهد گسترش نارضایتی و فضای اعتراضی و عزم انقلابی برای تغییر در جامعه علارغم تشدید فضای اختناق و سرکوب هستیم. نه حکومت نظامی و تهدید و ارعاب می تواند دراز مدت دوام بیاورد و نه

ما از خواست آزادی و برابری و خلاصی از تبعیض و نابرابری کوتاه می آئیم. از زندانهای مخوف دولت اسلامی صدای اعتراض زندانیان سیاسی و حمایت از جنبش آزادیخواه مردم بالاست. جامعه در شرایط انفجاری به سر می برد. رژیمی که جز ابزار سرکوب راه دیگری برای ادامه بقا ندارد باید با تعرض متقابل و گسترش اعتراض و مبارزه توده ای و کارگری علیه فقر و فلاکت و حجاب اسلامی، دستگاه سرکوب آن را فلج کرد. این روزها می گذرند مصافهای جدی تری با توجه به آنچه تا کنون شاهدش بودیم در راه است.

سردبیر



مرگ بر جمهوری اسلامی!



شرایط بد آموزشی و فضای مختنق، علیه تبعیض و نابرابری، علیه حقوقهای پایین و کالایی کردن آموزش و با خواسته های برحق آموزش رایگان، افزایش حقوقها و رفع تبعیضات چند جانبه، عملا جنبش سازمانیافته فرهنگیان و معلمان را به میدان کشیده اند.

با قتل مهسا امینی و آغاز خیزش انقلابی در سال قبل تردیدی نیست مدارس و دانشگاهها به ستون محکم گسترش مبارزه انقلابی و رادیکال تبدیل شدند. دانشگاهها و مدارس و حتی مدارس ابتدایی صحنه مهم اعتراضات پرخروش و انقلابی بودند. کاراکتر آزادیخواهانه و برابری طلبانه خیزش انقلابی سال قبل نه تنها در مقابل سرکوبگری و ترندهای جمهوری اسلامی بلکه در تمایز با اقدامات و شعارها و سیاستهای اپوزیسیون راست توسط نسل جوان آگاه برخاسته از بستر اجتماعی کارگران و مردم تحت استثمار و ستم نظم سرمایه و متعلق به قطب چپ جامعه نمایندگی شد. بیانیه ها و نوشته ها و شعارهای رادیکال، "نه روسی، نه توتسری، آزادی و برابری" - "علیه فقر و تبعیض، میریم تا سرنگونی" - "فرزند کارگرانیم در کنارشان میمانیم" - "مرگ برستمگر چه باشه چه رهبر" را نسل جوان به عنوان نمادهای چپ و رادیکال خیزش انقلابی در دانشگاه و مدارس نمایندگی کردند. همراهی محکمتر و بیشتر معلمان مدارس و استادان دانشگاهها با دانش آموزان و دانشجویان یک خصلت قوی و مهم مبارزات درخشان سال قبل بود.

ترس و نگرانی سران جمهوری اسلامی از ادامه این همبستگی مبارزاتی است که سیاست "خالص سازی" یعنی اخراج وسیع معلمان و استادان متعهد و زاویه دار با رژیم را در پیش گرفته است. جمهوری اسلامی با ادامه سرکوبگریها و اخراجهای وسیع و فشار بر نسل جوان طبعاً میتواند محدودیتها و موانعی را پیش پای عطش مبارزاتی این نسل ایجاد کند، اما قطعاً نمیتواند پتانسیل مبارزاتی در دانشگاه و مدارس را کنترل کند. رژیم بارها با این ترندها به مقابله نسل جوان برخاسته و اما گام به گام مجبور به عقب نشینی های جدی و سرافکنندگی شده است. جمهوری اسلامی باردیگر و امسال هم این پدیده را تجربه میکند.

امسال و در تداوم خیزش انقلابی سال قبل که دانش آموزان و دانشجویان خود یکی از مهمترین نیروهای محرکه آن بودند، انتظار اینست، جنبش و مبارزه انقلابی در دانشگاهها و محیط های آموزشی و در جنبش معلمان با خودآگاهی و سازمانیافتگی و اتحاد محکم فعالین آزادیخواه و برابری طلب گسترش یابد. توقع اینست با ارتقای دستاوردهای جنبش انقلابی یکساله اخیر و با ابتکار شبکه خودآگاه و به هم پیوسته جمعها و محافل آزادیخواه و برابری طلب و سوسیالیست جنبش متمایز و قدرتمند نسل جوان در برابر جمهوری اسلامی قد علم کند. با پرچم مبارزه علیه فقر و تبعیض و علیه حجاب عرصه را بر جمهوری اسلامی تنگ کند.

در اتحاد و همگامی با جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال پتانسیل عظیم اجتماعی و توده ای را برای تعیین تکلیف قطعی با جمهوری اسلامی به میدان آورد. در خاتمه امید اینست سال تحصیلی جدید فرصتی باشد که دختران و پسران، نسل جوان سرزنده و پرتوقع و بالنده جامعه ایران با پس زدن همه مشکلات و سختیهای موجود، بیشترین موفقیتها را در عرصه تحصیل و در ابعاد متنوع زندگی هم کسب کنند.

شهریور ۱۴۰۲

سال تحصیلی جدید

علیه فقر و حجاب اسلامی، علیه جمهوری اسلامی در تداوم خیزش انقلابی رحمان حسین زاده

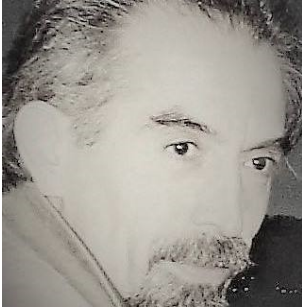
سال تحصیلی امسال (۱۴۰۲) در شرایط پیچیده ای آغاز میشود. از یک سو فقر و نداری و نداشتن امکانات مالی گریبان میلیونها خانواده بی بضاعت را برای تهیه نوشت افزار و لباس و هزینه سرویس و دیگر امکانات ابتدایی شروع تحصیل فرزندانشان گرفته است. از سوی دیگر شروع دوباره مدارس و دانشگاهها بعد از سالگرد خیزش انقلابی چشم انداز دور دیگری از گسترش مبارزه نسل جوان رادیکال علیه همین فقر و تبعیض و حجاب و جمهوری اسلامی را میگذشاید.

در آغاز بازگشایی مدارس این درد عمیق را لمس میکنیم که به دلیل نداری و کمبود مالی، میلیونها نوجوان و جوان آماده تحصیل نمیتوانند هم سن و سالهایشان را در مدارس و دانشگاهها همراهی کنند. بخش عمده فرزندان خانواده های کارگری و زحمتکشی و مهاجران افغان از تحصیل محروم و عده ای که به محیط آموزشی راه پیدا میکنند، با انواع محدودیتها و تبعیضات روبرو هستند. مسئولین دست اندرکار جمهوری اسلامی بی پرده اذعان دارند که دولت فاقد برنامه ای برای تامین هزینه آموزشی تحصیلکردگان است. از کمبود مدارس و معلم، افزایش سرسام آور هزینه نوشت افزار، وسعت مدارس کپری و زیر چادر و خشت و گلی و نامن، دو شیفته و مواردی سه شیفته بودن مدارس و از محرومیت تحصیلی نزدیک به سی درصد نوجوانان و جوانان علاقمند به تحصیل به دلیل مشکلات اقتصادی بیشرمانه سخن میگویند. این وضعیت ناشی از سیطره نظم وارونه سرمایه داری و جمهوری اسلامی و این سیستم جهانی است. به همین دلیل بسیار زود بخش وسیع نسل جوان به ماهیت طبقاتی و استثمارگرانه این نظم پی میبرند و جوانه های مبارزه جویی و تصمیم به دگرگون کردن و تغییر این نظم وارونه را انتخاب میکنند.

واقعبیت تلخ دیگر اینست که چهار دهه حاکمیت سپاه جمهوری اسلامی، دانش آموزان و دانشجویان ایران را با این پدیده متناقض روبرو کرده، که در کنار تلاش برای فراگیری دستاوردهای علمی و اجتماعی و فرهنگی و آموزشی شایسته انسان امروز، همزمان با جهل و خرافه و افکار و عقاید قرون وسطایی اسلامی که در قالب دروس و آموزش بر محیط های آموزشی تحمیل شده دست و پنجه نرم میکنند. با تداوم حاکمیت این رژیم سال به سال ابعاد جهل و خرافه گسترش می یابد. طبق افاضات عصر حجری خامنه ای تعداد زیادی از مواد درسی دوباره بازبینی و هر جنبه غیر اسلامی از آن زدوده شده و بر طبق آیات قرآنی پوسیده ۱۴۰۰ سال قبل در حال بازنویسی اند. برای تحمیل این بساط خرافی و شصت و شوی مغزی دانش آموزان هزاران طلبه متحجر و آخوند مذهبی انگل از حوزه های جهلیه روانه مدارس میشوند. جمهوری نکبت اسلامی در نظر دارد محیط های آموزشی را به شعبه های دیگر فیضیه های تولید خرافه اسلام و تربیت متعصبان مذهبی تبدیل کند.

در تقابل با کلیت این اوضاع یعنی علیه فقر و تبعیض و اختناق و استبداد، در مقابل تقلا مستمر جمهوری اسلامی برای تحمیل جهل و خرافه بر مدارس و دانشگاهها و کالایی کردن آموزش، محیط های آموزشی و به ویژه دانشگاهها همیشه کانون گرم مبارزات حق طلبانه بوده اند. نسل جوان در دانشگاههای ایران، چه در دوره سلطنت و چه در جمهوری اسلامی همیشه صف پیشرو آزادیخواهی و برابری طلبی و مبارزه علیه این وضعیت و استبداد و ارتجاع حاکم را شکل داده اند. به علاوه در سالهای اخیر مبارزات سراسری فرهنگیان و معلمان علیه

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



کردستان عراق، حضور رئیسی قصاب زندانیان سیاسی در مجمع عمومی سازمان ملل و بازی فوتبال با تیم النصر عربستان در استادیوم خالی از تماشاچی، اگرچه پیشینه و کرونولوژی خود را داشت، اما آگاهانه در مناسبت سالروز خیزش انقلابی بعنوان برگهائی در بازی امنیتی رژیم علیه جامعه بکار گرفته شدند. از موضع جامعه ای که درگیر یک جنگ ناتمام با رژیم اسلامی است، شاید این موارد حتی توجهی را هم جلب نکرد و یا در درجه چندم اهمیت و اولویت هم نبود اما برای بسیاری روشن بود که رژیم قصد دارد نمایش قدرت بدهد. قدرتی که همان شب به سخره گرفته شد.

تنها سود این اقدامات این بود که بار دیگر برای مردم روشن شد که نیروی انقلابی تنها باید به قدرت خود متکی شود و از امام زاده دولتهای دمکرات و دم و دستگاه گروه فشار حقوق بشر آبی بنفع امر آزادی و برابری گرم نخواهد شد. و چرا که نه، مگر همین دولتهای غربی و در راس آنها امریکا نبود که وقتی برایش مسجل شد که دیگر رژیم سلطنتی نمیتواند سرپا بماند، به اشاره ای محمد رضا پهلوی را از ایران فراخواند و خمینی و جریان آدمکش اسلامی را به مردم تحمیل کرد؟ مگر همین دولتها در دوره های مختلف زیر بغل همین رژیم را نگرفتند؟ مگر دولت آدمکش و اسلامی عربستان و دول منطقه دل خوشی از برآمد انقلابی و ضد اسلامی در ایران داشتند؟ پیروزی مردم در ایران مقدمه برچیدن حکومتهای اسلامی و دول مرتجع و شیوخ در منطقه را تسهیل میکند. کل ارتجاع منطقه ای و جهانی، علیرغم هر اختلاف درون خانوادگی و درون طبقاتی که با رژیم اسلامی در تهران دارند، دل خوشی از روند انقلابی در ایران نداشتند و ندارند.

رژیم اسلامی اما نمیتواند با حکومت نظامی ممتد سیاست بقای نظام را پیش ببرد. حکومت نظامی سنگر آخر دیکتاتوری های سرمایه داری در دوره های بحران است. حکومت نظامی تعادل روی لبه پرتگاه است. رژیمهایی که به این مرحله میرسند عملاً تمام شده اند، راه های دیگر را رفته اند و شکست خورده اند و لذا به آخرین سنگر بقا متوسل میشوند. این سنگر که یک روز نمیتواند دوام بیاورد و تولید از عاب کند، از پیش شکست خورده است. جمهوری اسلامی راه دیگری برویش باز نیست، نه میتواند به سوالات واقعی جامعه جواب دهد، نه میتواند عقب نشینی هائی صورت دهد که تعادل کنونی را حفظ کند و نه میتواند با اتکا به حکومت نظامی بقایش را در میان مدت و حتی کوتاه مدت حفظ کند. این چهارچوب بزودی می شکند و فشار اعتراض انقلابی و نخواستن از دریاچه دیگری بروز میکند. موقعیت آنتاگونیستی جامعه با دولت حاکم و دهها میلیون مردم تحت تبعیض و فقر و نابرابری، افقی برای سازش و مانور باز نمیگذارد. کشمکش ادامه دارد و در این نبرد حکومت اسلامی بازنده است.

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۳

**منصور حکمت را بخوانید
و به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

حکومت نظامی هم اثر ندارد! نگاهی به سالروز ۲۵ شهریور

سیاوش دانشور

دستور کار رژیم اسلامی در مناسبت سالروز خیزش انقلابی شهریور ممانعت از هر نوع تجمع و اعتراض بود. میدانستند که مردم به بهانه سالروز قتل جانبازان در آرامستان ها تجمع میکنند. میدانستند که هر شهر و مناطق مختلف کشور آماده اعتراض است. میدانستند پتانسیل نفرت مردمی که میخوانند سر به تن حکومت نباشد بسیار بالاست. لذا حکومت نظامی و لیستی از اقدامات سرکوبگرانه و پیشگیرانه در اولویت سیاست نظام اسلامی قرار گرفت. هزاران نفر را احضار و تهدید کردند، دست با "پاکسازی" دانشگاه ها و مراکز آموزشی زدند، بسیاری را اخراج و منتظر خدمت و تعلیق کردند. مراکز مهم کارگری را بصورت فوق برنامه امنیتی تر از هر زمانی کردند، تهاجم به زنان در خیابانها را شدت بخشیدند، آرامستان ها را مهر و موم و بسیاری از خانواده ها را با فشار و تهدید ناچار به لغو مراسمهای یادبود کردند. در سقز که امکان تجمع در آرامگاه آچی گسترده بود بطور ویژه وارد عمل شدند؛ از استقرار تانک و تیوپار در ایست بازرسی ها تا رها کردن آب سد، از تهدید مرتب خانواده مهسا امینی تا استقرار نیروی امنیتی کنار منازل خانواده جانبازان را در دستور گذاشتند. در کلان شهرها کمابیش همین سیاست پیش رفت. در تهران قریب دویست هزار نیرو بسیج شده بود که امکان هر تجمع و حضور عادی چند نفره در خیابان را هم بگیرند. رفتار نیروی سرکوب و لباس شخصی و امنیتی های تا دندان مسلح بشدت وقیح و تند و تهاجمی بود. صدها زن و مرد فقط روز ۲۴ و ۲۵ شهریور در تهران بازداشت شدند و همان روز به خانواده های بازداشت شدگان تهاجم کردند.

تهران سیمای شهر اشغال شده یا بعد از یک کودتای خونین را بخود گرفته بود. همه اینها قرار بود هدف و دستور رژیم برای ممانعت از شکلگیری اعتراضات را تامین کند و جامعه را در سکوت گورستانی منجمد کند. جمهوری اسلامی موفق شد با یک لشکرکشی تمام عیار و یک حکومت نظامی ۲۵ شهریور را از سر بگذراند. اما این هیبت پوشالی تنها چند ساعت دوام آورد. بمجرد تاریک شدن هوا در بیش از ۲۰ شهر ایران و در هر شهر در مناطق مختلف صدای اعتراض بلند شد. از شعارهای شبانه در محلات تا راه بندان و اجتماع و تظاهرات با شعارهای کوبنده مرگ بر جمهوری اسلامی نشان داد کل این تمهیدات و سرمایه گذاری ها آب در هاون کوبیدن بوده است و جامعه ای در فازی است که "حکومت نظامی هم دیگر اثر ندارد!"

سران رژیم و اتاق فکرهای امنیتی حتما در جمعبندی اینروز به این نتیجه رسیده اند که حکومت نظامی هم جامعه را مرعوب نکرد و همانطور که پیش بینی کرده بودیم، بسیار زودتر از آنچه که فکر میکردند، با تجمعات و اعتراض مردم فرو ریخت. امید به تغییر، ضرورت و میرمیت تغییر و نفی رژیم جلاخان اسلامی بسیار ریشه دار از آنست که این تمهیدات بتواند خدشه ای به آن وارد کند. همراه با تودهنی خوردن خامنه ای و نظام، کل طیفهای شکست طلب و ترسان از تحول انقلابی نیز فرو ریختند. در این میان شجاعت و رادیکالیسم زنان که تن به حجاب اسلامی نمیدهند و در این روز صدها نفرشان را بازداشت کردند، لایحه جدید ارتجاع یعنی "عفاف و حجاب" را باطل اعلام کرد. جامعه در همین مقیاس این پیام را به جهانیان مخابره کرد که جنگ ادامه دارد و قصد دارد که کار ناتمام را تمام کند. رژیم اسلامی این مناسبت را از سر گذراند اما ضعیف تر از قبل از آن بیرون آمد.

و بالاخره اتفاقات دیگر که در همین روزها رخ دادند؛ مانند معاوضه زندانیان با دولت آمریکا، بند و بست با دولت عراق و حکومت اقلیم برای جمع کردن اردوگاه و اماکن استقرار احزاب ناسیونالیست کرد در

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!



همچنین آن نیروی سیاسی که بر اصولی مثل "برتری رای پایین بر بالا"، "انتقال قدرت سیاسی به شوراهای"، "تشکیل کمیته‌ها" و "اتکا به رهبران عملی داخلی" پافشاری می‌کند، نمی‌تواند از بالا به پایین یک فرمان ملوکانه به عموم جامعه از هر طبقه‌ای بدهد که در یک تاریخ مشخص با خون خود به فرمانده اعتبار ببخشند و فرمانده مرکزی نیز هیچ مسئولیتی در قبال نتیجه بخش بودن یا نبودن اکت سیاسی و اجتماعی نداشته باشد.

حکم چنین سبک کاری از آن جنبش اجتماعی خاصی صادر می‌شود که سوگیری آن پس از پیروزی نیز اتکا به یک مرکز و راس هرم قدرت است و همان ساخت سرمایه دارانه اقتصادی و همان ساخت مستبدانه و فاشیستی سیاسی موجود را به شکلی دیگر در راستای منافع یک قطب امپریالیستی معین باز تولید کند.

از هم اکنون نیز مشخص است کدام سبک کار پیروز است. همان سبک کاری که ایران را در ۹۶ و ۹۸ هفته‌ها، و در ۱۴۰۱ ماه‌ها به لرزه در آورد. دقیقاً در همان نقاطی که هسته‌های سخت سیاسی در موبی‌های جامعه کار کرده بود، در سالگرد خیزش انقلابی شهریور با تمامی سازوکارهای عظیم حکومت نظامی جمهوری اسلامی بر شهرها توانست امسال نیز سیستم را غافل‌گیر کند.

البته همان عقل سلیم بورژوازی نیز کافی است تا هر بیننده و ناظر بیرونی بی‌طرفی بفهمد با شکست فراخوان تهران رضا پهلوی، حیثیت نداشته و پوشالی او و راست ایرانی ناسیونال فاشیست و پروغرب برای یک دوره بسیار طولانی و تا جایی که حافظه سیاسی جامعه یاری می‌کند، ریخت.

در اینجا اما وظیفه سیاسی نیروی چپ و کمونیست این جامعه یادآوری شکست فضااحت‌بارانه راست، یادآوری موفقیت‌ها و مزیت‌های سبک کار و تداوم کادرسازی در تحتانی‌ترین و عمیق‌ترین لایه‌های جامعه به ویژه طبقه کارگر است.

زنده باد سوسیالیسم

مرگ بر جمهوری اسلامی

۳۰ شهریور ۱۴۰۲

سبک کار ما و سبک کار آنها!

چگونه مبارزه به شیوه راست تسلیم حکومت

نظامی شد!

سمیرا دولت شاهی

از همان ابتدای شهریور ۱۴۰۲ بود که فرخوان‌های اجتماعات سالگرد قتل مهسا امینی به شکل جدی‌تر مطرح شد. در این میان شخص رضا پهلوی و سایر نیروهای جریان راست فراخوانی متفاوت صادر کردند. آنها تاکید کردند که توده‌های مردم باید در ساعت ۱۱ صبح خیابان انقلاب و آزادی در اصلی‌ترین خیابان پایتخت ایران جمع شوند. در واقع رویای پهلوی و راست‌های ایرانی تکرار همان ۲۵ خرداد سبز ۱۳۸۸ بود. با این تصور که شرایط، حجم هواداران، موقعیت سیاسی و سایر شاخص‌ها مشابه آن سال است.

نه آن شخصیت ورشکسته سیاسی و نه اطرافیان وی حساب کار ایجاد یک حکومت نظامی گسترده با حدود تخمینی ۲۰۰ هزار نیروی گسیل داده شده پلیس و بسیج و اطلاعات را که حضورش توسط هر نیروی عاقل سیاسی قابل پیش‌بینی بود، در نظر نگرفتند. اما آیا مشکل بخشاً بخاطر سطح هوش و تجربه و فاکتور حاشیه‌ای و فردی بود که چنین چیزی را نفهمیدند؟

پاسخ این سوال قاعدتاً نمی‌تواند مثبت باشد. ما این بحث پایه‌ای را بارها مطرح کرده‌ایم که سبک کار سیاسی و اجتماعی هر جریانی، بازتاب سوگیری و ماهیت و افق جنبشی است که آن جریان، سازمان یا حزب سیاسی به آن تعلق دارد. به شکل اصولی و پایه‌ای نمی‌توان انتظار داشت که از نیروی سیاسی‌ای که به جنبش برانداز راست و پروغرب که بیدار کننده ازدهای ناسیونال- فاشیسم ایرانی است، تکیه بر محلات، موقعیت‌های حوزه‌ای مثل محل کار و کارگاه و دانشگاه داشته باشد.

خاصیت کار در فضاهای خرد که عملاً چیزی به نام حکومت نظامی را بی‌اثر می‌کند، این است که این فضاهای عمقی جامعه از طریق نوعی ارتباط موبی‌گرایی با جامعه ایجاد می‌شوند و تنها از طریق ارتباط ارگانیک نیروی سیاسی با فعالان هر حوزه اجتماعی امکان فعال شدن دارند. چنین سبک کاری قاعدتاً از سیستمی که متکی بر فرمان‌بری و کاریزمای یک شخص خاص مستبد - که از بالا فرمان و فراخوان می‌دهد- و فرار است این مدل برخوردار با جامعه را بعد از پیروزی خود نیز در قالب احیای یک رژیم سلطنتی باز تولید کند، فرموله نخواهد شد.

"... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.

این بار خامی و خوشبختی انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی‌طلب اینبار به مراتب تحزب یافته‌تر خواهد بود.

احزاب و نیروهای سرنگونی‌طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.

اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را نمی‌پذیرند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افق‌ها، میان جنبشهای طبقاتی و پرجمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی‌طلبی بیشتر اوج میگیرد.

بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده‌ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتبندی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونیستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی‌طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری...

« منصور حکمت »

کانال تلگرامی یک دنیای بهتر



نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



در برهه بازگشایی مدارس همانطور که بارها توسط فعالین جنبش معلمان گفته شده است، برای خلاصی از وضعیت موجود راهی به غیر از متشکل شدن حول تشکل های مستقل معلمان نیست.

فراخوان ما رو به معلمان و تشکل های مستقل دانش آموزی برافراشته کردن پرچم مبارزاتی با

خواست‌هایی است که در سال‌های گذشته کف خیابان مطرح کرده و بخاطر آنها هزینه داده اند. همچنین در شرایط کنونی که دانش آموزان این جگرگوشه هایمان در زندان بسر میبرند معلمان هستند که باید خواهان آزادی آنان شده و برای تحقق آن دست به اقدامات سیاسی و میدانی بزنند.

در دوره بازگشایی مدارس که مصادف است با سالگرد قتل سارینا ها و کیان پیرفلک ها باید پرچم دادخواهی از دانش آموزان کشته شده بدست جمهوری اسلامی را بلند کرد و این مستلزم همبستگی معلمان با تشکل های دانشجویی، دانش آموزی و همچنین سایر جنبش های اجتماعی در دل جامعه است.

۳۰ شهریور ۱۴۰۲

سال تحصیلی جدید و لزوم دوام مبارزات!

فاطمه عسکری

امسال سال تحصیلی جدید در شرایطی آغاز می شود که معلمان عزیزمان همچون رسول بدایق و جعفر ابراهیمی بخاطر دفاع از خواست های بر حق خود و سایر همکاران کماکان تحت فشارهای روحی و جسمی در زندان بسر میبرند.

بازگشایی ای که آینده‌ای نامعلوم در پی دارد، چرا که نه تنها سال گذشته شاهد مسمومیت شیمیایی عزیزان دانش آموز بودیم، بلکه تعداد زیادی از دانش آموزان مبارز شرکت کرده در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ همراه با هزاران بازداشتی این حرکت عظیم اجتماعی در زندان‌ها هستند.

اینها همه از صدقه سر حکومتی جنایتکار است که به زور اسلحه، سرکوب و زندان نفس های آخرش را میکشد و هیچ گاه به آینده سازان جامعه که همان دانش آموزان و دانشجویان هستند نه تنها ارزش قائل نبوده بلکه کمر به کشتار این بخش آگاه جامعه بسته است.

دانش آموزان زیادی در زندان‌ها هستند و متاسفانه شاهد حمایت بخش عظیمی از بدنه فرهنگیان ایران از آنان تاکنون در حدی که انتظار می‌رود نبودیم.

در طول دو سال گذشته عده کثیری از فرهنگیان جهت محقق شدن خواسته‌هایشان به شکلی سراسری و متشکل به خیابانها آمدند که با دستگیری های گسترده، تبعید و پرونده سازی و سناریو پردازی های نهادهای امنیتی روبرو شده و تعداد زیادی نیز اخراج شدند.

باید بررسی کرد که حاصل این اعتراضات وسیع در جهت پیشروی برای رسیدن به خواست‌ها چه بوده است. اعتراضات نقطه عطفی در مبارزات جنبش معلمان در طول چهار دهه گذشته بوده و دستاوردهای مبارزاتی در سطح کلان جامعه نیز داشته، اما بدلائل مختلف از جمله سرکوب شدید نتوانسته تغییراتی در وضعیت معیشت متعادل با تورم و حتی متناسب با خطر فقر را فراهم آورد. بعلاوه خواستهای کلان از جمله؛ آزادی همکاران دربند، لغو خصوصی سازی، لغو پولیسازی آموزش، انطباق دروس با استانداردهای بین المللی، لغو ایدئولوژی دینی از مدارس و تحصیل رایگان همچنان خواست‌هایی هستند که کماکان بر سر میز مبارزات جنبش معلمان باقیست.

آنچه مسلم است هدف حکومت چپاولگر و دزد جمهوری اسلامی پرداخت نکردن معیشت معلمان و دوام بر سیستم آموزشی است که دمار از روزگار جامعه ایران در آورده و موجب حضور دانش آموزان به ستوه آمده از سیستم موجود در کف خیابان‌ها شده است.

فقر و فساد از یک طرف و افزایش تورم بر تمامی اقلام از جمله لوازم تحصیلی هزینه های بالای بالای چند میلیون تومان بعلاوه شهریه های سرسام آور، فشار اقتصادی مضاعفی بر اولیای دانش آموز که بخشی از طبقه کارگر و زحمتکش ایران را تشکیل می‌دهند تحمیل کرده است و به همین دلیل است که در طی پنج سال اخیر بیش از ۵ میلیون دانش آموز ترک تحصیل کرده اند.

در آستانه بازگشایی مدارس در شرایطی به استقبال مهر ماه میرویم که مردم در بالاترین حد از نفرت و خشم نسبت به حکومت اسلامی قرار دارند، نسیم خشم توده ها بود که عاملی شد در سالروز خیزش انقلابی شهریورکه شاهد اعتراضات از سنندج تا بوشهر و سایر شهرهای کشور باشیم.



زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

توجه با مصادف شدن اعتراضات علیه شرایط بد زیست محیطی در آلمان تصمیم به برگزاری میز اطلاعاتی مشترک بین واحد های زیگن حزب چپ و حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست گرفته شد. در این حرکت رهبریت منطقه ای حزب چپ، کادرهای حکمتیست، امیر و فاطمه عسگری و چندی از فعالین ایرانی، فعالین جنبش زنان کردستان و مسئول واحد زیگن سازمان "مادر بزرگ ها علیه راست" با تهیه پوسترهای زن زندگی آزادی یاد این جنبش انقلابی در ایران را گرامی داشتند.

20 سپتامبر 2021



زنده باد همبستگی بین المللی



گزارشی از فعالین حزب حکمتیست در سالگرد خیزش انقلابی شهرپور

امیر عسگری

پس از گذشت یک سال از خیزشی که با مختصات انقلابی خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی شد، جریانات مختلف سیاسی به عنوان یک وظیفه سیاسی و جنبشی همراه با جامعه ای که خواهان خلاصی از حکومت هار اسلامی است اقدامات حمایتی در گرامیداشت ۲۵ شهریور انجام دادند. فعالین حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست نیز در شهرهای مختلف سالگرد خیزش انقلابی شهرپور را گرامی داشتند.

به عنوان یک اقدام مهم در همبستگی بین جنبش های آزادی خواه، برابری طلب و چپ بین المللی با خیزش انقلابی و جنبش آزادی زن در ایران ابتدا با هماهنگی انجام گرفته با کمیته خارج، تونستیم حمایت هایی از فعالین و احزاب، بخصوص احزاب چپ آلمان دریافت کنیم. بر همین اساس ابتدا با رفقای از حزب چپ آلمان ارتباطاتی انجام گرفت که چه اقداماتی را می توان در حمایت از سالگرد خیزش انقلابی انجام داد. ابتدا با "دیدم آیدورموش" از هیئت اجرایی حزب چپ آلمان که در نشست علیه جنگ آشنا شده بودیم ارتباطی دوباره برقرار شد و با علاقه و پیگیری صمیمانه پیامی برای تلویزیون چالش و پرتو به زبان انگلیسی ضبط و ارسال نمود که در این پیام "آیدورموش" به الهام بخش بودن جنبش آزادی زن در ایران برای تمامی فعالین آزادیخواه تاکید کرده و اشاره کرد که در جهان اگر زنان به شهامت و شجاعت زنان در ایران بودن جهانی متفاوت داشتیم. وی با شعار "ژن ژیان آزادی" این رویداد مهم اجتماعی سیاسی را گرامی داشت.

در عین حال که آماده برای اقدامات حمایتی از خیزش انقلابی در ایران بودیم، رئیس مجلس ایالت نوردگاین وستفالن "آندره کوپر" من را از طرف حزب حکمتیست در یک نشست مربوط به نبرد برای دموکراسی به مجلس دعوت کرده بود که در حاشیه این نشست نوشته ای با خواست تاکید بر لزوم آزادی ۳۰ هزار معترض زندانی خیزش انقلابی شهرپور و زندانیان سیاسی و همچنین همبستگی با جنبش کارگری در نبرد برای انقلاب در ایران ارائه شد.

در ادامه ارتباطات با رهبریت حزب چپ آلمان در منطقه وستفالن جنوبی در مرحله اول تصمیم به تهیه و ارسال پیام حمایتی از سوی "کورتلیا پتلا" از مسئولین منطقه ای و فعال جنبش آزادی زن برای تلویزیون پرتو برنامه چالش گرفته شد. "پتلا" در این پیام؛ ضمن گرامیداشت یاد مهسا (ژینا) امینی، از اعتراضاتی که در طول چهار دهه گذشته جریان داشته یاد کرده و خیزش انقلابی شهرپور ۱۴۰۱ را یک نقطه عطف مبارزاتی و حرکتی انقلابی پس از انقلاب ۵۷ یاد کرد و در کنار این نقطه عطف به این نکته تاکید کرد که همبستگی طبقاتی و دوام مبارزه رمز پیروزی این جنبش اجتماعی و طبقاتی خواهد بود. در طول تاریخ همواره تعداد اقلیتی قدرت را در دست داشتند و بخش عظیم تحت ستم بوده اند. وی از تحقق آرمان انقلابی جامعه ایران ابراز امیدواری کرده و در انتها با شعار؛ "زنده باد همبستگی انترنسیونالیستی" و "ژن زندگی آزادی" به پیام خود خاتمه داد.

در ادامه حمایت تشکیلاتی واحد وستفالن جنوبی حزب چپ آلمان، با

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!



رونالدو مثل شخص البته بی تقصیر است، او یک بازیکن مشهور و پولساز است که برایش فرقی نمی‌کند کجا برود و کجا توپ بزند، پول و قرارداد چرب قطنمای راه امثال او است. از موضع ورزشی و فوتبالی هم نمیتوان سراغ این داستان رفت. از جناب رونالدو انتظار اعاده حقوق زنان ایران یا خواست در استادیوم حضور یافتن هم مسخره است. انفجار شیفتگان رونالدو هم نشان داد که علائق و سلائق جامعه در بخشهای مختلف از اسلام و فرهنگ شرقی الهام نمی‌گیرد و اگر مجالی برای حضور سلبریتی های "غیر وطنی" باشد، دکان سلبریتی های "وطنی" خیلی زود تخته میشود. دنیا کوچک شده است و رقابت مثل بازار و اقتصاد و سیاست و فرهنگ جهانی شده است.

مسئله اساسی اما "رونالدو" های ماست که یا غیر قانونی اند یا در حبس و زنداند و یا زیر خاک آرمیده اند. یکی شان مهسا امینی است که حکومت بسیج شد تا از سالورزش جلوگیری کند. یکی دیگر نیکا شاکرمی است، سارینا، محسن، مجید، کیان، سیاوش، ایلاز و بیشار جانباخته و انقلابیون زندانی دیگر. اگر برای تجمع و بزرگداشت زنان و مردان انقلابی و شورشی یکدهم رونالدو از جانب رژیم تحمل وجود میداشت، مردم میلیونی به خیابانها می ریختند و تیم النصر و رونالدو در حاشیه خبر هم جایی نمی یافت. اینکه در این سیرک سیاسی رونالدو را با فرش دستباف ساخت بردگان دار قالی بعنوان "هنر ملی" روانه کنند، ثانوی است.

۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳

"رونالدو" های غیر قانونی ما

سیاوش دانشور

آمدن تیم النصر عربستان به ایران اهمیت خبری و حتی ورزشی ندارد. وجود #رونالدو در این تیم توضیح دهنده کل جنجال خبری پیرامون آنست. اینکه جمهوری اسلامی بدلیل اوضاع بحرانی اش مجبور شده با تمام "دژمن" ها از آمریکا تا عربستان بسازد گفتن ندارد و آمدن تیم النصر به ایران هم در چهارچوب "تنش زدایی" و دیپلماسی منطقه ای جمهوری اسلامی قابل توضیح است. حضور رونالدو در این تیم مزید بر علت است و مسخره بازی فدراسیون ورزش رژیم هم همینطور.

دیروز و دیشب بخشی از مردمی که دنبال ستاره و سلبریتی روانند و تولیدات رژیم در این زمینه برایشان جذابیت ندارد، دنبال اتوبوس حامل بازیکنان النصر می دویدند و می دویدند و از کوه و کمر و دره به محاصره هتل محل اقامت رونالدو شتافته بودند. اتفاقات مشابه کنار هتل ها برای ستارگان دنیای موزیک و هنر در اروپا هم رخ میدهد البته نه به این سبک عشاقی بلکه با تمدن و بدون مزاحمت برای دیگران.

برای جمهوری اسلامی خود این رفتار و تجمع و ترافیک گسترده و بی آزار برسر رونالدو آنهم در مناسبت روزهای داغ سالروز شهریور خونین غنیمت بود. در جایی که تک تیراندازان را در پشت بام ها برای شلیک بر شقیقه جوانان و زنان شورشی مستقر کرده بودند و تانک و نفربر و اوباش موتوری و گشتاپوی اسلامی بسیج شده بودند و رژه میرفتند، در جایی که مثلا در تهران و شهرهای بزرگ حضور چند نفر باهم ممنوع بود و تحمل نمیشد، از چنین تجمع بزرگی بخاطر رونالدو خیلی استقبال هم شد.

مبارزه با مذهب



دروغ تحویل مردم می دهند. مردم را میترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودیست، قبل از اینکه مجموعه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات میگیرد، پول می گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلام میشود را کنار هم بگذارید میبینید با ثروت بزرگترین کمپانی های بین المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می کنند محصولش را بفروشند. سعی می کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می کند مصرف کنندگان را به خودش معتاد بکند. جامعه ای که می خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب رویرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست.

این یک صنعت عظیم خرافه پرانی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است.

و اگر شما یک جامعه آزاد می خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باندهای مواد مخدر مقابله میکنید. همانطور که با کمپانی های سودجویی مقابله میکنید که میزدند و میبردند و جای خودشان ویرانه بجا میگذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونیسست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



حکومت جانیان اسلامی بدل کنیم و دانشگاه سنجر آزادی را که رعشه بر تن کثیف جمهوری اسلامی انداخته است محکم نگه داریم.

فراخوان ما به شما دانشجویان مبارز که در سالگرد خیزش انقلابی با مبارزات خود سهم ارزشمندی در تقویت جنبش سرنگونی طلبانه مردم داشتید این است، خود را متحد و صفوف مبارزاتی خود

را متشکل کنید و همراه با سایر جنبشهای اجتماعی، کارگران، معلمان و زنان برای پایان دادن به عمر جمهوری اسلامی به میدان بیایید، همانطور که سال گذشته به دهن حکومت اسلامی زدید، همانطور که جریانات سلطنت طلب و قوم گرا را با شعارهای عموما چپ و آزادیخواهانه خود حاشیه ای کردید، انتظار این است که امسال در بازگشایی دانشگاه ابتدا با خواست هایی همچون؛ آزادی دانشجویان و معترضین خیزش شهریور و همه زندانیان سیاسی، کوتاهی دست نهادهای امنیتی از دانشگاه، بازگرداندن اساتید اخراجی و اخراج مداحان و عوامل رژیم از دانشگاه، و لغو حجاب اسلامی و قوانین اسلامی از فضای دانشگاه و دروس وارد صحنه شده و



سال تحصیلی جدید و بازگشایی دانشگاه، سنجر آزادی!

امیر عسگری

سال تحصیلی جدید در دانشگاه و مدارس آغاز میشود. در دوره ای انقلابی که مدارس و دانشگاه ها بعنوان یک سنجر مهم مبارزاتی علیه جمهوری اسلامی قد علم کردند. دانشجویان از آغاز خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ بعنوان جنبشی پیشرو و انقلابی در سطح سراسری مقابل حکومت اسلامی و قوانین ارتجاعی اش قد علم کردند. دانشجویان دختر با برگرفتن حجاب اسلامی بعنوان سمبل آپارتاید جنسی و دینی حکومت اسلامی و آتش زدن آن و همچنین شکستن دیوارهای تفکیک جنسیتی در دانشگاه و بعلاوه مقابله با حراست و نیروهای میلیتاریستی حاضر در دانشگاه ها با سر دادن شعارهای چپ و انقلابی از جمله؛ “مرگ بر ستمگر، چه شاه باشه چه رهبر”، “نان کار آزادی اداره شورایی”، “سقف و کتاب و گندم، قدرت به دست مردم”، “نه سلطنت نه رهبری، دموکراسی برابری”، “کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد” و “مرگ بر جمهوری اسلامی” نشان دادند که خواستار خلاصی از جمهوری نکبت اسلامی و نظام استعمارگر سرمایه داری هستند.

جمهوری اسلامی در ابتدای خیزش بیش از ۳۰۰ فعال دانشجویی را بازداشت کرد و احکام محاربه برای دانشجویان صادر کرد ولی دانشجویان تسلیم نشدند و به مبارزه انقلابی خود ادامه دادند و نقطه عطفی مهمی در عرصه مبارزات دانشجویی نه تنها در سطح ایران بلکه در سطح خاورمیانه و جهان به ثبت رساندند، جنبشی پیشرو که یاد و خاطرات جنبش ۱۹۶۹ را زنده کرد. این جنبش آنچنان رعشه در تن جمهوری اسلامی انداخت که همه روزه شاهد تلاش های مذبحانه برای مهار این جنبش بودیم ولی تاکنون علی رغم این اقدامات سرکوبگرانه جنبش دانشجویی مهار نشده است. اقداماتی همچون تبعید، محروم التحصیل کردن و حتی بازداشت های مجدد و پرونده سازی.

فارغ از تهدیدات و فشارها بر دانشجویان حکومت اسلامی درصدد اخراج اساتید حامی فعالیت های برحق دانشجویان و استخدام مداحان بجای آنان نیز برآمد تا این سنجر آزادی را بیشتر تخریب کنند.

جنبش دانشجویی در طول خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ تا کنون ذره ای از رادیکالیسم انقلابی و خواست و مطالبات خود عقب نشینی نکرده اند و بدهی است که همراستا با جنبش سرنگونی در جامعه، دانشجویان نیز به اعتراضات خود در عرصه دانشجویی و فضای دانشگاه ادامه خواهند داد.

در دوره آغاز سال تحصیلی جدید و بازگشایی دانشگاه ها، اقدامات سرکوبگرانه در دانشگاه ها و تشدید فضای امنیتی نشان از هراس است که تمام وجود حکومت اسلامی را فراگرفته و در تقابل با آن، آنچه در شرایط کنونی برای این جنبش پیشرو دارای اهمیت است، سازمانیابی مجدد در سطح سراسری برای اقدامات سیاسی و میدانی در فضای دانشگاه است.

در آغاز سال جدید تحصیلی کماکان دانشجویان بسیاری در زندان زیر شکنجه حکومت آدم کشان اسلامی به سر میبرند، تعداد زیادی محروم از تحصیل و اخراج شدند. مقابله با خودکامگی رژیم در دانشگاه ها و اعتراض به سرکوبگری رژیم، اتحاد بیشتری را از دانشجویان در تمام دانشگاه ها می طلبد. علاوه بر این باید برای آزادی همزمان دانشجویان بند تلاش کرد. در روزهای سالگرد خیزش انقلابی شهریور هستیم. یاد جانبختگان این خیزش انقلابی، یاد نیکا ها، مجید رهنوردها و کیان پیرفلک ها صدها جانباخته دیگر به صحنه اعتراض و اعلام نفرت علیه

شورا مجمع عمومی سازمان یافته و منظم است!



ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

کابوس مرگ رژیک در سالگرد خیزش انقلابی

روز شنبه ۲۵ شهریور سالروز قتل حکومتی مهسا "ژینا" امینی بود. جامعه ایران در شرایط انفجار اجتماعی قرار دارد. رژیم اسلامی که طی یک سال گذشته با کابوس فروپاشی و مرگ بسر میرود با توسل به ابزار سرکوب، در ۲۵ شهریور هم توانست بار دیگر نیمه جان را نجات دهد. رژیم اسلامی طی ۴۴ سال عمر ننگینش برای ادامه حاکمیت سیاهش تنها با ابزار سرکوب، بگیر و ببند، ماشین اعدامش چه در زندان و چه در خیابان خون پاشیدن، مرتکب جنایت علیه بشریت شدند. رژیم اسلامی طی یک سال گذشته جدا از کشتار در خیابانها، بیش از ۳۰ هزار نفر از فعالین سیاسی، اجتماعی را دستگیر زندانی، شکنجه و محکوم کردند. رژیم اسلامی طی سه ماهه منتهی به سالگرد خیزش انقلابی فضای کل جامعه را امنیتی کردند. در شهریور ماه در کلیه استانها و شهرها حکومت نظامی غیر اعلام نشده برقرار بود و هزاران فعال عرصه های جنبش اعتراضی را بازداشت کردند و با تهدید و تعهد گرفتند که نباید در سالروز قتل حکومتی ژینا امینی دست به اعتراض بزنند. در سفر امجد امینی طی یک هفته منتهی به ۲۵ شهریور چهار بار برای عدم برگزاری مراسم جانباختن مهسا به اداره اطلاعات سفر بردند و در نهایت وقتی فهمیدند خانواده امینی از برگزاری مراسم سالگرد قتل حکومتی ژینا منصرف نمیشوند، آنها را در حصر خانگی قرار دادند و شهر را به پادگان نظامی تبدیل کردند و تانک زره پوش را بالای تپه آرامستان ایچی محل دفن ژینای عزیز قرار دادند که در نهایت عصر روز شنبه ۲۵ شهریور نیروهای جنایتکار رژیم اسلامی یک جوان بنام فردین جعفری را به رگبار بستند، ابتدا از ناحیه سر زخمی کردند که روز ۲۶ شهریور در بیمارستان جانباخت. رژیم اسلامی در ۲۵ شهریور با گسیل نیروهای سرکوبگر به خیابانها مانع ایجاد تجمع شدند اما با تاریکی هوا در تهران و اکثر شهرها با سر دادن شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه‌ای و شعارهای متعدد و همچنین در خیابانها با ایجاد راه بندان، بوق های ممتد اتومبیلها و سر دادن شعارها، فضای گرامیداشت یک ساله شدن ۲۵ شهریور گرامی داشته شد.

استان کهگیلویه و بویراحمد، اعتراضات شبانه شکل گرفت و مأموران حکومتی در این تجمع به معترضان سلاح ساچمه شلیک کردند و دستکم ۱۵ نفر را بازداشت کردند. سید جواد هاشمی‌مهر، معاون سیاسی و امنیتی استاندار کهگیلویه و بویراحمد بازداشت ۱۳ مرد و دو زن را تأیید کرد. با وجود گزارش‌هایی مبنی بر شلیک ساچمه او گفت که کسی زخمی نشده است. این مقام امنیتی استانداری گفت که جمعی در چهار راه شهید مفتاح (معروف به آقا شیروان) شکل گرفت. در گزارش‌های منتشر شده دیگری در شبکه‌های اجتماعی آمده بود که جمعی در امامزاده جابر دهنشت (جابرستی) شهر دهنشت هم شکل گرفته است.

در روزیکشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۲، مردم معترض همدان در محدوده خیابان بوعلی دست به تظاهرات زدند که همزمان مورد یورش نیروهای امنیتی قرار گرفتند. کاوان رضایی ۱۵ساله، بهنام سموری ۱۷ساله و عرفان براتی ۱۷ ساله به همراه یک تا دو نوجوان ۱۴ ساله، در تاریخ ۲۵ شهریور در شهرهای سنندج، دهلران، بجنورد و تهران توسط پاسداران بازداشت شده‌اند و تاکنون از وضعیت آنها اطلاع دقیقی در دسترس نیست.

در روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ماه نیز مأموران امنیتی برای ممانعت از برگزاری مراسم سالگرد نیکا شاکرمی نیز جاده خرم‌آباد به پلدختر را از هر دو طرف مسدود کردند. در همین روز مأموران سرکوبگر حکومتی به خانه جواد حیدری از جانباختگان خیزش سراسری سال ۱۴۰۱ در روستای رحمت آباد بزرگ در قزوین یورش برده و با شلیک گاز اشک آور در داخل منزل، حتی کودکان را نیز مورد ضرب و شتم قرار دادند. پس از این حمله اینترنت در کل روستا قطع شده است.

اجتماعات در محلات تهران، اسلامشهر، کرج، شیراز، سنندج، مریوان، کرمانشاه، خرم آباد، همدان، رشت، گرگان، زاهدان، شاهرود، اراک، ایذه، جوققان و ... ، تاکتیک تعرض شبانه جامعه و پاسخ به حکومت نظامی در سالروز خیزش انقلابی بود.

اعضای خانواده حدیث نجفی بازداشت شدند

در ادامه فشارها، سرکوب و بازداشت اعضای خانواده‌های جانباختگان خیزش انقلابی شهریور، افسون نجفی، خواهر حدیث نجفی، با انتشار استوری در صفحه اینستاگرام خود از بازداشت اعضای خانواده‌اش خبر داده است. افسون نجفی نوشته است که از روز (جمعه ۲۴ شهریور) ساعت پنج عصر خانواده نجفی "به طور غیرقانونی و بدون ابلاغیه یا احضاریه" در بازداشت بسر می‌برند. او در ادامه نیز با اشاره به این‌که نیروهای امنیتی، "ریختن خونه و کل خونه رو گشتن و گوشی‌ها رو گرفتن و با خود بردن"، درخواست کرده این خبر رسانه‌ای شود. حدیث نجفی، جوان ۲۲ ساله اهل مهرشهر کرج یکی از کشته‌شدگان اعتراض‌ها به قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی بود. حدیث نجفی چهارشنبه شب ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، حوالی ساعت ۲۰ در بلوار ارم مهرشهر کرج، از جانب نیروهای امنیتی مورد اصابت گلوله ساچمه‌ای قرار گرفت و جان باخت.

جمعی از زنان زندانی سیاسی در اوین دست به تحصن زدند

در روز شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۲ جمعی از زنان زندانی سیاسی بند زنان زندان اوین اعلام کرده بودند که در "حمایت از مردم علیه حکومت و همصدا با مردم ایران" از ۲۴ شهریور در حیاط زندان دست به تحصن خواهند زد. نرگس محمدی، سپیده قلیان، آزاده عابدینی، شکلا منفرد، گلرخ ایرانی،

روز جمعه ۲۴ شهریورماه ۱۴۰۲، مردم معترض زاهدان مجدداً با سر دادن شعار دست به تظاهرات زدند. بنابر اخبار منتشر شده در روز شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۲ در شهرهای سنندج، دیواندره، مریوان، بانه، اشنویه، بوکان، کامیاران، مهاباد، کرمانشاه، ماکو، سقز، بیجار و ایلام با تعطیل کردن محل کار فضای اعتراضی را فراهم کردند. نهادهای امنیتی در شهر سقز یکی از درجه‌های آب سد چراغ وپس را باز گذاشته‌اند تا در کنار مسیرهای اصلی آرامستان ایچی، راه‌های فرعی این گورستان را نیز مسدود و از حضور مردم بر مزار ژینا و دیگر جان باختگان این شهر جلوگیری کنند. در همین روز فردین جعفری جوان اهل سقز در مسیر سفر به بانه و نزدیکی آرامستان ایچی توسط نیروهای سرکوبگر حکومتی از ناحیه سر هدف گلوله قرار گرفت.

در تهران نیز همزمان با سالگرد خیزش انقلابی فضای امنیتی شدیدی از روز جمعه حکمفرما بود. در میدان انقلاب نیش خیابان جمالزاده از تجمعات بیش از سه نفر بیشتر جلوگیری شد و تعداد زیادی بازداشت شدند. ویدیوهای منتشر شده در فضای مجازی حاکی از اعتراضات مردم رشت در سالگرد قتل مهسا امینی و آغاز خیزش سراسری است. دستکم ۱۵ نفر را در دهنشت بازداشت کردند. در شهر دهنشت در

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی
روزیکشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً مقابل سازمان تأمین اجتماعی این شهر دست به تجمع زدند.

تجمع و راهپیمایی اعتراضی بازنشستگان مخابرات استانها
روز دوشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۲ جمعی از بازنشستگان مخابرات منطقه اهواز، رشت، اراک، شیراز، تهران، خرم آباد، اصفهان، زاهدان، همدان، تبریز و زنجان در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان مجدداً مقابل شرکت مخابرات اهواز دست به تجمع و راهپیمایی زدند. لازم به ذکر است این تجمع بخاطر فضای شدید امنیتی در منطقه کردستان، در محل سالن آمفی تئاتر شرکت مخابرات سندج برگزار شد.

تجمع اعتراضی بازنشستگان کشوری
روز سه‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۲، جمعی از فرهنگیان بازنشسته و دیگر بازنشستگان کشوری در کرمانشاه، همدان، قم و سندج مجدداً و مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی و در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و عدم تحقق خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش
روز چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مقابل دفتر نماینده مجلس این شهر دست به تجمع زدند.

بازداشت یک معلم اهل دیواندره توسط نهادهای امنیتی
روز شنبه ۲۵ شهریورماه ۱۴۰۲، نهادهای امنیتی شهر دیواندره، آرمان سهرابی، معلم ۳۵ ساله اهل این شهر را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. تا لحظه انتشار این خبر، از نهاد بازداشت‌کننده، علت بازداشت و اتهامات منتسب به این شهروند اطلاعی حاصل نشده است.

جعفر ابراهیمی را بیهوش به بیمارستان انتقال دادند
بر اساس گزارش منتشر شده، جعفر ابراهیمی، معلم زندانی که در تاریخ ۱۲ شهریور ماه همراه با ۱۲ تن دیگر از زندانیان اوین، به سیامچاله‌ای به نام "سلول امن" در قزل‌حصار تبعید شده بود، در اثر وخامت شدید جسمی به بیمارستان رجایی کرج منتقل شد. با این وجود، هیچ بیمارستانی تاکنون پذیرش ایشان را تایید نکرده است و هیچ اطلاعی از وضعیت این معلم زندانی در دسترس نیست. وکیل جعفر ابراهیمی و کامیار فکور، آقای عرفان کرمویسی، برای ملاقات به زندان قزل‌حصار مراجعه کرده است و علی‌رغم اینکه ملاقات وکیل با موکل می‌بایست حضوری باشد تنها اجازه ملاقات کابینی داده شده است. حضور وکیل در سالن کابینی ملاقات تحت شدیدترین تدابیر امنیتی بوده و تمام وسایل ایشان را در بدو ورود ضبط کرده‌اند در نهایت پس از حدود سه ساعت معطلی برای ملاقات، به ایشان اعلام شد که چون زندانیان این وکیل امنیتی هستند و جرائم سنگین دارند، ایشان نمی‌تواند موکل‌های خود را ملاقات بکند. در حالیکه پیشتر به آقای کرمویسی گفته شده بود که می‌تواند موکل‌های خود، کامیار فکور و جعفر ابراهیمی را ملاقات کند، اما ملاقاتی صورت نگرفت. دیگر زندانیان سیاسی (زندانیان منتقل شده به قزل‌حصار) در اعتراض به این وضعیت، اعلام کردند که تا جعفر ابراهیمی و کامیار فکور نتوانند با وکیل خود آقای عرفان کرمویسی ملاقات کنند آن‌ها هم با خانواده یا وکلای خود ملاقات خواهند کرد و به نشانه اعتراض جلوی بند تحصن کردند.

در پی این وضعیت، در نهایت ابتدا به کامیار فکور اجازه‌ی دیدار با وکیل را دادند. بر اساس توضیحات داده شده به آقای عرفان کرمویسی، حال جسمی جعفر ابراهیمی بسیار وخیم شده و به بهداری منتقل شده است. در عین حال، پس از خروج از بهداری هنگامی که خواسته است یک تماس محدود ۳ دقیقه‌ای در اتاق افسر نگهبانی مرکزی با همسر خود بگیرد، در همانجا توسط افسر جانشین و معاونش و چند تن از کادر زندان به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و از ناحیه کتف، گردن و پیشانی زخمی شده است.

محبوبه رضایی و ویدا ربانی از جمله زنان زندانی معترض هستند که پیش‌تر در بیانیه‌ای مشترک اعلام کرده بودند: "یک سال از کشته شدن دختر ایران زمین، ژینا (مهسا) امینی به دست مأموران حکومت جمهوری اسلامی گذشت. بغض کشته شدن و اعدام مظلومانه دختران و پسران سرزمین‌مان در خیابان‌ها و زندان‌ها، کور کردن معترضان، بازداشت، شکنجه و زندان به پاخاستگان، زخمی است بر جان و روانمان، اما شعله امید و انگیزه‌ای است برای تداوم مبارزه تا لحظه پیروزی‌مان". خبرهای منتشرشده حاکی از آنند که تحصن اعتراضی زنان زندانی در زندان اوین برگزار شده و آن‌ها در روز شنبه ۲۵ شهریور همزمان با اولین سالگرد قتل حکومتی ژینا، شال‌ها را آتش زدند. این هفت زندانی سیاسی از مردم ایران و جهان خواسته بودند که "صدای معترضان و مخالفان و مردم باشند و ما را یاری کنند".

سیزده زندانی تبعید شده به قزل‌حصار دست به اعتصاب غذا زدند
سیزده زندانی که از دوازدهم شهریور ماه از زندان اوین به قزل‌حصار تبعید شده‌اند در بند امن این زندان و در شرایط اسفناکی نگهداری می‌شوند، بطوریکه از امکانات اولیه زندان هم محروم هستند. این زندانیان از روز شنبه ۲۵ شهریورماه و به مدت سه روز دست به اعتصاب غذا زدند. اسامی سیزده نفری که دست به اعتصاب زده‌اند به شرح زیر می‌باشد: سعید ماسوری، جعفر ابراهیمی، کامیار فکور، لقمان امین‌پور، افشین بایمانی، سپهر امام‌جمعه، زرتشت احمدی‌راغب، محمد شافعی، سامان صیدی (یاسین)، حمزه سواری، احمدرضا حائری، رضا سلمان‌زاده و مسعودرضا ابراهیمی‌نژاد.

یورش نیروهای امنیتی به خانواده بازداشت‌شدگان در تهران
روزیکشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲، خانواده بازداشت‌شدگان در تهران برای پیگیری وضعیت فرزندان خود به "ستاد فرماندهی یگان امداد تهران بزرگ" مراجعه کرده بودند از سوی مأموران امنیتی و انتظامی مورد یورش و ضرب و شتم قرار گرفتند.

سقوط کارگر جوشکار از ساختمان چهار طبقه در کرمانشاه
روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی کرمانشاه از سقوط جوشکار ۴۰ ساله از طبقه چهارم ساختمان در حال ساخت خبر داد. احسان سهیلی اظهار کرد: ساعت ۱۴:۵۰ روز یکشنبه ۲۶ شهریورماه یک مورد حادثه سقوط از ارتفاع در میدان مرکزی به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد و به دنبال آن آتش‌نشانان ایستگاه‌های شماره یک و گروه نجات ایستگاه مرکزی به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: با حضور آتش‌نشانان در محل مشخص شد که مرد جوان حین جوشکاری اسکلت ساختمان در طبقه چهارم دچار حادثه شده و به طبقه منفی یک سقوط و دچار مصدومیت شدید شده است.

مرگ کارگر ۱۸ ساله بر اثر سقوط از ساختمان
یک کارگر ساختمانی بر اثر سقوط از ارتفاع ساختمانی در هشتگرد، جان باخت. در این حادثه که عصر روز دوشنبه ۲۷ شهریور در شهر هشتگرد استان البرز رخ داد، کارگری ۱۸ ساله در حین کار در ساختمانی در حال احداث از ارتفاع این ساختمان سقوط کرد و بر اثر اصابت به زمین جان خود را از دست داد.

مصدومیت ۲۱ کارگر در انفجار «استیل ریزان» قم
در پی وقوع حادثه‌ای که در کارخانه استیل ریزان نوب فلزات در جاده قم- کاشان اتفاق افتاد ۲۱ کارگر دچار درجات مختلف سوختگی شدند؛ براساس آخرین اخبار، حال یکی از مصدومان وخیم است. بی‌توجهی کارفرمایان به جان و سلامت کارگران و عدم ایمن‌سازی محیط کار، کارخانجات و مراکز صنعتی را به قتلگاه کارگران تبدیل کرده است.

ستون اخبار کارگری و حرکتهای اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

سراسری سال ۱۴۰۱، در تاریخ ۱۹ مهرماه در منزل شخصی‌اش توسط شش نیروی لباس شخصی و یک مأمور زن که خود را مأمور اداره آب معرفی کرده بودند، بازداشت شد. سمانه اصغری ابتدا ۳۵ روز را در بند ۲۰۹ زندان اوین گذراند. او پس از پایان بازجویی‌ها در تاریخ ۲۳ آبان ماه به زندان قرچک ورامین منتقل شد و تا پایان آزادی در همین زندان نگهداری شد.

علیرضا عظیمی به بازنشستگی اجباری با کسر گروه محکوم شد
بر اساس حکم هیات تخلفات وزارت که عینا حکم هیات بدوی را تایید کرده است، علیرضا عظیمی فعال صنفی معلمان به بازنشستگی اجباری و تقلیل گروه محکوم شده است. هیات‌های تخلفات به ویژه در یک‌سال اخیر به بازوی اصلی نهادهای سرکوبگر تبدیل شده‌اند و با گروگان‌گیری معیشت فرهنگیان تمام اهتمام خود را صرف خاموش کردن هر صدای معترضی کرده‌اند.

برگزاری جلسه دادگاه کامران ساختمانگر
روز یکشنبه ۲۶ شهریور ۱۴۰۲، جلسه رسیدگی به اتهامات کامران ساختمانگر از فعالین شهر سنندج در شعبه اول دادگاه سنندج و بدون داشتن وکیل برگزار شد. اتهامات مطروحه در متن کیفرخواست دادستان و اداره اطلاعات سنندج از جمله فراخوان دادن مردم به اعتراض و اعتصاب در اعتراض به قتل مهسا امینی از طریق مصاحبه با رسانه‌ها، حضور در تجمعات اعتراضی پاییز ۱۴۰۱، انتشار تصویر و پیام دایه شریفه در اعتراض به مرگ مهسا امینی و حمایت علنی از خانواده رامین حسین پناهی و تشویق مردم به اعتراض و حضور در خیابانها علیه نظام از طریق فضای مجازی و همکاری با احزاب سیاسی کردستان اس که وی در قبال اتهامات مطرح شده از خود دفاع نمود.

کیوان مهدی بعد از نه روز انفرادی به بند عمومی بازگشت
روز یکشنبه ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۲ کیوان مهدی نویسنده و عضو کانون نویسندگان که نه روز پیش بخاطر یک فایل صوتی در حمایت از جعفر ابراهیمی و کامیار فکور به انفرادی زندان اوین منتقل شده بود، امروز به بند عمومی زندان بازگشت. این زندانی سیاسی، اردیبهشت ۱۴۰۱ بازداشت شد و در حال گذران پنج سال حبس خود می‌باشد.

عاطفه رنگریز پس از بازجویی به زندان شاهرود منتقل شد
عاطفه رنگریز، نویسنده و فعال حقوق زنان و از زندانیان سیاسی سابق، پس از چندین روز بازجویی در بازداشتگاه اداره اطلاعات سمنان، به زندان شاهرود منتقل شد. رنگریز از یکشنبه ۱۹ شهریور در بازداشتگاه اداره اطلاعات سمنان محبوس بود و خانواده از وضعیت و دلیل بازداشت او بی‌اطلاع‌اند. عاطفه رنگریز با یورش مأموران به خانه یکی از بستگانش در سمنان بازداشت شد و سپس سه‌شنبه ۲۱ شهریور در تماس تلفنی کوتاهی از حضورش در بازداشتگاه اداره اطلاعات سمنان خبر داد. علت بازداشت این فعال حامی حقوق زنان و کارگران مشخص نیست.

بازداشت دو فعال کارگری توسط نیروهای امنیتی سنندج
صبح روز سه‌شنبه ۲۸ شهریورماه ۱۴۰۲، خبات دهدار به همراه برادرش رامیار دهدار دو فعال مدنی و کارگری شهر سنندج توسط نیروهای امنیتی این شهر بازداشت و به مکان نامعلومی شدند. بر اساس گزارش منتشر شده، نیروهای امنیتی با یورش به منزل شخصی این دو شهروند و با توسل به خشونت اقدام به بازداشت و ضبط وسایل شخصی آن‌ها کرده‌اند. تا لحظه انتشار این گزارش از محل نگهداری و اتهامات مطروحه علیه این شهروندان اطلاعی در دسترس نمی‌باشد. خبات دهدار فعال کارگری و زندانی سیاسی سابق روز پنج‌شنبه ۲۸ مهرماه ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات سراسری توسط نیروهای امنیتی بازداشت و روز شنبه هفتم آبان‌ماه ۱۴۰۱ با تودیع قرار وثیقه از زندان سنندج آزاد شده بود.

در ادامه جعفر ابراهیمی هم بعد از انتظار طولانی با همراهی یک افسر حفاظت توانست با وکیل خود دیدار کند. بر اساس گفته‌ی وکیل ایشان، آثار ضرب و شتم گردن، کتف، بدن، مچ دست و پیشانی ایشان به وضوح مشخص بوده است. همچنین بهداری قزل‌حصار در نامه‌ای بر وخامت وضعیت جسمی آقای ابراهیمی تاکید نموده و اعلام کرده است که از آنجاییکه این فعال صنفی معلمان در معرض نابینایی ناشی از عوارض بیماری قرار دارد، می‌بایست هر چه سریعتر به پزشک متخصص اعزام شود تا به وضعیتش رسیدگی شود اما مسئولین زندان از اعزام ایشان امتناع کرده‌اند. لازم به ذکر است که علی‌رغم وضعیت جسمانی وخیم و نیز شدیدتر شدن تاری دید ایشان، اما مانند همیشه بسیار از روحیه‌ی بالایی برخوردار بود.

به گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، جعفر ابراهیمی، معلم زندانی در اعتراض به ضرب و شتم در زندان و عدم اعزام به پزشکی قانونی، ضمن پس فرستادن داروهای خود دست به اعتصاب دارو زده است. این معلم زندانی در تماس کوتاهی با خانواده و از طریق وکیل خود، اطلاع داده است که به علت عدم همکاری زندان در اعزام به پزشکی قانونی برای ثبت آثار ضرب و شتم بر بدنش، از تحویل و استفاده از هرگونه دارویی خودداری می‌کند.

جان یونس آزادبر در خطر است

مسر یونس آزادبر طی پیامی ویدئویی از وضعیت وخیم جسمانی و بلاتکلیفی این فعال مدنی در زندان لاکان رشت می‌گوید. یونس آزادبر، شهروند ۶۰ ساله از سوی شعبه یک بازپرسی شهر سنکر با اتهامات واهی سنگینی مواجه شده است. این شهروند ساکن شهر سنکر رشت در تاریخ بیست و هشتم تیر ماه در پی یورش مأموران اداره اطلاعات به منزل شخصی‌اش بازداشت شد. وی از مشکلات متعدد جسمانی از جمله بیماری صرع رنج می‌برد و از دسترسی به دارو و خدمات درمانی محروم شده و جان او در خطر است.

وکیل آرش صادقی از تایید حکم صادره علیه او خبر داد

آقای رامین صفرنیا، در توییت نوشت: "بعد از واخواهی و برگزاری جلسه رسیدگی، حکم موکلم آرش صادقی که توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران صادر شده بود، عینا در شعبه ۳۶ دادگاه تجدیدنظر تایید شد. بر اساس این حکم، آرش صادقی از بابت اتهام به اجتماع و تبانی به سه سال و هشت ماه حبس و در خصوص اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به هشت ماه حبس، توقیف اموال دو سال تبعید، دو سال ممنوعیت خروج از کشور، دو سال ممنوعیت از عضویت در دستجات و گروه‌های سیاسی، دو سال ممنوعیت حضور در فضای مجازی محکوم شده است. حکم وی در حال حاضر به شعبه یک اجرای احکام ارسال و با پیگیری اینجانب نامه‌ای برای پزشکی قانونی ارسال شده تا در صورت تایید آقای صادقی بتواند برای طی مراحل درمان مهلتی را از اجرای احکام دریافت کند". آرش صادقی، سال ۱۴۰۰ پس از تحمل پنج سال و شش ماه حبس و ابتلا به بیماری کندروسارکوما (نوعی از سرطان استخوان) از زندان آزاد شده بود. اما در مهر ماه ۱۴۰۱ دوباره بازداشت شد و پس از چندین ماه حبس آزاد شد. او در حال طی مراحل درمانی خود است.

سمانه اصغری، فعال حقوق کودکان بازداشت شد

سمانه اصغری، فعال حقوق کودکان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل کردند. سمانه اصغری در جریان اعتراضات

زنده باد آزادی، برابری، رفاه همگانی!

آدرسهای تماس با حزب
کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

نادر شریفی

sharifi.nader@gmail.com

دبیر اجرایی

همایون گدازگر

Homayon_1954@yahoo.de

PARLOW TV
تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب حکمتیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،

سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegan@gmail.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

نفسی کمونیست

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!